

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

الدرس الثالث:

مطر السمك: باران ماهی

موضوع الدرس: أشكال الفعل (١)

به این فعل‌های زیر توجه کنید



گروه ٢	گروه ١
أَخْرَجَ: بیرون کرد	خَرَجَ: خارج شد
عَلَّمَ: آموزش داد	عَلِمَ: دانست
انكسَرَ: شکسته شد	كسَرَ: شکست
اشتغَلَ: به کار گرفت	شَغَلَ: مشغول کرد
تَكَاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	كَتَبَ: نوشت
تَحَمَّلَ: به عهده گرفت	حَمَلَ: به دوش کشید
إِسْتَفْفَرَ: آمرزش خواست	غَفَرَ: آمرزید

١- ریشه فعل‌های گروه ١ و ٢ چند حرفی است؟

٢- در گروه ٢ به غیر از حروف اصلی ریشه فعل چه حرف یا حروف دیگری را مشاهده می‌کنید؟

٣- چه تفاوتی در ترجمه این دو گروه فعل ملاحظه می‌کنید؟

می‌بینیم که:

١- ریشه فعل هر دو گروه ٣ حرفی (ثلاثی) است.

٢- در گروه ٢ ، حرف یا حروف زائدی (مزید) بر حروف اصلی وجود دارد.

۳- با تغییر فعل‌های گروه ۱ به ۲، در ترجمه آنها نیز تغییراتی به وجود آمد.

نتیجه:

فعل‌های سه‌حرفی در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شوند:

- ۱- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضیشان، فقط سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مجرد** گفته می‌شود.
 - ۲- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضیشان، بیش از سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مزید** گفته می‌شود.
- نکته ۱:** معیار تشخیص حروف اصلی یا زائد یک فعل، صیغه اول شخص مفرد ماضی آن فعل است. برای به‌دست آوردن این صیغه از فعل، می‌توان هر حرفی به غیر از سه حرف اصلی را از ابتدا و انتهای آن فعل حذف نمود تا سه حرف اصلی نمایان شود. مثال:

فعل ثلاثی مجرد	فعل ثلاثی مزید	حرف زائد
خرجتم ← خرج	أُخِرَجْنَ ← أَخْرَجَ	أ
عَلِمْتُ عَلِمَ	عَلَّمْتُ عَلَّمَ	تکرار عین الفعل
كَسَرْنَا كَسَرَ	إِنْكَسَرْتُمْ	إ - ن
يَشْعَلُونَ شَعَلَ	يَشْتَعِلُونَ	إ - ت
تَكْتَبِينَ كَتَبَ	تَكَاتَبَ	ت - ا
تَحْمَلُ حَمَلَ	تَحَمَّلُ	ت - تکرار عین الفعل
عَفَرْتُ عَفَرَ	تَسْتَعْفِرُونَ	إ - س - ت

ملاحظه کردید که با این روش، می‌توان به راحتی به صیغه اول شخص مفرد ماضی یک فعل رسید و به این شکل ثلاثی مجرد یا مزید بودن آن فعل را تعیین کرد. ولی در مورد فعل‌هایی که حرف همزه ماضی آنها در مضارعشان حذف می‌شود، به مشکل برمی‌خوریم و به راحتی نمی‌توانیم از مضارع این افعال، به همزه ماضی آنها پی ببریم. لازم است که در اینجا راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاثی مزید از مجرد را یاد بگیریم.

نکته ۲: راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاثی مزید، شناخت وزن‌های معروف آنها است. این وزن‌ها در مجموعه‌هایی به ما معرفی شده است که باید آنها را به خاطر بسپاریم تا با شنیدن و دیدن این وزن‌ها، فعل‌های مزید را تشخیص دهیم. به این مجموعه وزن‌ها، (باب) می‌گویند

آشنایی با وزن‌ها (باب‌های) ثلاثی مزید.

برای یادگیری این وزن‌ها، هر یک از آنها را در مجموعه‌ای با نام مشخص به شما معرفی می‌کنیم و شما هم با الگوبرداری، فعل‌های مشابه را تکرار کنید.

۱- استفعال

← ماضی	إِسْتَفْعَلُ: إِسْتَعْفَرَ - اسْتَخْرَجَ - اسْتَحْدَمَ - اسْتَرْجَعَ - اسْتَعْمَرَ
← مضارع	يَسْتَفْعِلُ: يَسْتَعْفِرُ - يَسْتَخْرِجُ - - -
← امر	اسْتَفْعِلْ: اسْتَعْفِرْ - اسْتَخْرِجْ - - -
← مصدر	إِسْتِفْعَالُ: اسْتِغْفَارٌ - اسْتِخْرَاجٌ - - -

نکته ترجمه ۱: فعل‌ها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم درخواست هستند. مثال:

إِسْتَعْفِرُ رَبِّي: از پروردگارت آمرزش بخواه.

هم یسترجعون کتبهم: آنها کتابهایشان را پس می‌گیرند.

۲- افتعال

← ماضی	إِفْتَعَلَ: إِشْتَعَلَ - اجْتَمَعَ - احْتَرَمَ - احْتَقَلَ - اِفْتَحَرَ
← مضارع	يَفْتَعِلُ: يَشْتَعِلُ - يَجْتَمِعُ - - -
← امر	اِفْتَعِلْ: اِشْتَعِلْ - اجْتَمِعْ - - -
← مصدر	اِفْتِعَالُ: اِشْتِعَالٌ - اجْتِمَاعٌ - - -

۳- اِنْفَعَال

ماضی	اِنْفَعَلٌ: اِنْقَلَبَ - اِنصَرَفَ - اِنبَسَطَ - اِنكشَفَ - اِنقَطَعَ
مضارع	يَنْفَعِلُ: يَنْقَلِبُ - يَنْصَرِفُ - - -
أمر	اِنْفَعِلْ: اِنْقَلِبْ - اِنصَرِفْ - - -
مصدر	اِنْفَعَالٌ: اِنْقِلَابٌ - اِنصِرافٌ - - -

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر سه مجموعه (افتعال - انفعال -) ، غالباً به صورت فعل ناگذر (بدون نیاز به مفعول) ترجمه می‌شوند. مثال:

التلاميذُ يجتمعون في الصف: دانش‌آموزان در کلاس گرد هم می‌آیند.

أنتم اِنصرفتُم عن عملکم: شما از کارتان کناره‌گیری کردید.

۴- تَفَعُّلٌ

ماضی	تَفَعَّلَ: تَنَزَّلَ - تَشَكَّرَ - تَحَمَّلَ - تَقَبَّلَ - تَقَضَّلَ
مضارع	يَتَفَعَّلُ: يَتَنَزَّلُ - يَتَشَكَّرُ - - -
أمر	تَفَعَّلْ: تَنَزَّلْ - تَشَكَّرْ - - -
مصدر	تَفَعُّلٌ: تَنَزُّلٌ - تَشَكُّرٌ - - -

اکنون با تمرین و تکرار وزن‌های بالا، می‌توانید فعل‌های مشابه را به کار ببرید.

ترجم الأفعال التالية.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
اسْتَغْفَرَ:	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرْ:	اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
اعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذِرْ:	اعْتِذَار: عذر خواستن
انْقَطَعَ:	يَنْقَطِعُ:	انْقَطِعْ:	انْقِطَاع: قطع شدن
تَكَلَّمَ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمْ:	تَكَلُّم: صحبت کردن

ترجم جمل هذه الجداول.

الجدول الأول: اِمْتَنِعْ ، يَمْتَنِعُ « اِمْتِنَاع : خودداری کردن »

هؤلاء اِمتنعوا.	أنا اِمتنع.	يا زميلاتي، هل اِمتنعن؟	يا حبيبي، اِمتنع.	إخوتي لا يَمتنعون.

الجدول الثاني: اسْتَغْفَرَ ، يَسْتَغْفِرُ « اسْتِغْفَار : آمرزش خواستن »

هل اسْتَغْفَرْتَ؟	المؤمن يَسْتَغْفِرُ.	نحن اسْتَغْفِرْنَا.	اسْتَغْفِرْ رَبَّكَ.	ألا تَسْتَغْفِرُ أنت؟

الجدول الثالث: انْقَطَعَ ، يَنْقَطِعُ « انْقِطَاع : قطع شدن »

انْقَطَعَتِ الكهرباء.	انْقَطِعْ يا مَطَرُ.	لا تَنْقَطِعْ يا مَطَرُ.	لا يَنْقَطِعْ رجائي.	الشجرتان ما انْقَطَعتا.

الجدول الرابع: تَعَلَّمَ ، يَتَعَلَّمُ « تَعَلُّم : یاد گرفتن »

زملاتي تَعَلَّموا.	نحن تَعَلَّمنا.	تَعَلَّمْ يا صديقي.	أ أنتم تَتَعَلَّمون؟	تَعَلَّموا أنتم.

در جای خالی فعل مناسب قرار دهید:

- | | | | |
|--------------------------|------------|--------------------------|---------------|
| <input type="checkbox"/> | إِغْفِرَ | <input type="checkbox"/> | إِسْتَخْفِرُ |
| <input type="checkbox"/> | نَخْرُجُ | <input type="checkbox"/> | نَتَخَرَّجُ |
| <input type="checkbox"/> | يَنْتَظِرُ | <input type="checkbox"/> | يَنْقَطِعَ |
| <input type="checkbox"/> | سَلِمْنَا | <input type="checkbox"/> | إِسْتَلَمْنَا |

- ۱- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِدُنْيِكَ﴾ الْغَاوِرُ: ۵۵
۲- إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَوْفَ كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.
۳- إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي.
۴- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.
۵- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَةِ الْإِنْتَرْنِتِ.

﴿الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي﴾

فعل‌ها در هر زبانی، با توجه (مفهوم‌شان) به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- فعل‌هایی که مفهومشان با (فاعل: انجام دهنده) کامل می‌شود و به کلمه دیگری نیازمند نیستند. این فعل‌ها در زبان فارسی، ناگذر و در زبان عربی لازم نامیده می‌شوند.

مثال: جاء علي إلى البيت: علی به خانه آمد. / ذهب محمد إلى المدرسة: محمد به مدرسه رفت.

۲- فعل‌هایی که مفهومشان با (فاعل: انجام دهنده) کامل می‌شود و به کلمه دیگری (مفعول) نیازمند هستند. این فعل‌ها در زبان فارسی، گذرا و در زبان عربی متعدی نامیده می‌شوند.

مثال:

كتب علي رسالة إلى صديقه: علی نامه‌ای را به دوستش نوشت.

اشترى محمد قميصاً من السوق: علی پیراهنی را از بازار خرید.

نتیجه: بنابراین در کاربرد فعل‌های متعدی (گذرا) به کلمه‌ای علاوه بر فاعل نیازمندیم که اثر فعل بر روی آن دیده می‌شود. به چنین کلمه‌ای (مفعول) می‌گویند.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

..... زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

..... تَنَمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

..... اِشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٌ حَاسِبًا لَهُ.